

متن کامل سخنرانی مهندس محمد توسلی در بیست‌وهفتمین سالگرد درگذشت آیت‌الله طالقانی

حسینیه ارشاد - ۸۵/۶/۲۳

به نام خدا

تداوم اندیشه طالقانی

یاد و نام آیت‌الله سید محمود طالقانی و همفکران همراه او، مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، را در بیست‌وهفتمین سالگرد درگذشت طالقانی گرامی می‌داریم. در شرایط کنونی جامعه، ما بیش از پیش نیاز به یادآوری منش و ابعاد مختلف شخصیت طالقانی و اندیشه او داریم تا بتوانیم برای ادامه راه او آگاهانه‌تر و مصمم‌تر به تبیین و تکمیل آنها همت گماریم و به وظایف ملی و دینی خود در این زمانه بهتر عمل کنیم.

۱- آشنایی با طالقانی

من از دوران نوجوانی تا آخرین روزهای عمر پر بار طالقانی همواره از آموزشها، مشورتها و همکاری‌های آن زنده‌یاد بهره گرفته‌ام و صدای دلنشین او در اعماق وجودم طنین دارد.

در دوران دبستان (در حدود سال ۱۳۲۶)، که با جمعی از نوجوانان هم‌محله خیابان مولوی (شاهپور) از آیت‌الله طالقانی برای سخنرانی به مناسبت ۱۵ شعبان دعوت کردیم، او با اشتیاق دعوت ما را پذیرفت و درباره «فلسفه غیبت و انتظار» - دمیدن روح امید و حرکت و آمادگی و نه سکون و بی‌عملی - با ما سخن گفت. در دوران تحصیل در دانشگاه تهران (۴۰-۱۳۳۵)، در کلاسهای آموزش قرآن او در مسجد هدایت و سخنرانی‌های او در انجمن اسلامی دانشجویان با زبان و مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی آشنا شدم. در سال ۱۳۴۰، با عضویت در جمعیت نهضت آزادی ایران و فعالیت در شاخه دانشجویی آن، افتخار همکاری حزبی با او را یافتم. وی در سال ۱۳۴۶، با حضور مهندس بازرگان و دکتر یدالله سبحانی، خطبه عقد ازدواج را خواند، پس از پیروزی انقلاب، مشاور ما در مدیریت شهر تهران بود و در موارد بسیاری از راهنمایی‌ها و مشورت او برای حل مسائل پیچیده مدیریت شهری بهره گرفتیم و سرانجام، در مراسم آخرین نماز جمعه - که به مناسبت نخستین سالگرد حماسه ۱۷ شهریور ۵۷ در بهشت‌زهرا برگزار شد - میزبان او و نمازگزاران بودیم. در پایان برنامه نماز، از او خواستیم که ساختمان جدید غسلخانه بهشت‌زهرا را افتتاح کند. در جریان این بازدید، او با نگاه نافذ و لحن صمیمی‌اش به یکی از غسلها گفت: «مرا خوب بشوئ!» دو روز بعد، غسل مورد خطاب در همان جا او را شست و در محلی که بین قطعه شهدای ۱۷ شهریور و قطعه شهدای پس از انقلاب پیشنهاد کردیم، با موافقت خانواده و دوستانش به خاک سپرده شد.

به نظر من، خداوند طالقانی را زود هنگام از این جهان فانی به سوی خویش فراخواند و این نهایت رحمت الهی در حق او بود تا در معرض ابتلای بیشتر قرار نگیرد. نامش همواره پرآوازه و راهش پررهرو باد.

آنچه می‌خواهم در مراسم گرامیداشت بیست‌وهفتمین سالگرد درگذشت طالقانی در حسینیه ارشاد ارائه کنم ادای دینی است در شرایط کنونی جامعه، با یادآوری پاره‌ای از ویژگی‌های شخصیت، منش و اندیشه‌های طالقانی که امروز بیش از گذشته مورد نیاز جامعه ما، به‌ویژه همفکران و پویندگان راه اوست، که در چند محور بطور خلاصه به آنها اشاره می‌کنم.

۲- شخصیت و منش طالقانی

سید محمود طالقانی فرزند سید ابوالحسن طالقانی، روحانی آزاداندیش و همراه شهید مدرس که با شغل آزاد (کشاورزی و ساعت‌سازی) امرار معاش می‌کرد، بود. وی در سال ۱۲۸۹ در دوره انقلاب مشروطیت متولد شد. طالقانی

به‌رغم گذراندن دوره تحصیلات حوزوی در قم، به قول شادروان مهندس بازرگان، با آنکه آخوند بود یعنی علم و مسئولیت روحانیت را داشت، اخلاق و رفتارش با دیگر آخوندها یکسان نبود. او، برخلاف سنت معمول حوزویان، نه در حوزه ماند تا مراتب ارتقا تا سطح مرجعیت را طی کند - که البته استعداد و ظرفیت آن را داشت - و نه در پی پیشنهاد شدن، منبر داشتن و مدرسه‌داری سنتی بود. او در تلاش برای پیگیری رسالت پیامبران و صالحان، یعنی آگاهی‌بخشی به مردم بود. او در شرایط سالهای پیش از شهریور ۱۳۲۰، هنگامی که از حوزه به تهران آمد، مخاطبان موردنظرش، یعنی نوجوانان و جوانان کشور را - که به‌لحاظ فکری و هویتی سرگردان بودند - جستجو می‌کرد.

خوشبختانه در سالهای اخیر، به‌رغم محدودیت‌های موجود در حوزه‌ها، طلبه‌های جوان، فرهیخته و توانا در کارهای پژوهشی و آگاه‌بخشی تربیت شده‌اند و نقش مهم و مؤثری در زدودن خرافات و پاسخگویی به پرسشهای پرشمار جوانان دارند.

طالقانی از صداقت، صراحت لهجه، شجاعت و استقلال‌نظر ویژه‌ای برخوردار بود، با مردم ارتباط عاطفی، صمیمی و جذب‌کننده و با ستمگران و کارگزاران طاغوت برخورد بسیار جدی و تندی داشت. او با پاسبانی که به زور حجاب زنی را در سال ۱۳۱۸ برمی‌داشت برخورد کرد که منجر به زندانی شدن او (طالقانی) شد. رفتارهای او در دادگاه نظامی محاکمه‌کننده سران و فعالان نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۲ و در زندان، با عوامل ساواک، داستانهای مفصلی است که در منابع تاریخی خوانده یا شنیده‌ایم.

طالقانی اهل گفتگو، مدارا و تساهل، به‌ویژه با مخالفان فکری، بود. او با مخالفان فکری به‌نحوی برخورد می‌کرد که آنان احساس امنیت می‌کردند و در شرایطی که می‌توانست ایجاد اطمینان کند سخنانشان را می‌شنید و آنان را راهنمایی می‌کرد. این منش و ویژگی طالقانی در شرایط کنونی جامعه ما، که وفاق ملی نیاز راهبردی است، شدیداً مورد نیاز و توجه همه احزاب، گروه‌ها و فعالان سیاسی - اجتماعی است که در بخش‌های بعدی به آن خواهیم پرداخت.

۳- اندیشه فرهنگی

در سده اخیر، همه مصلحان و احیاگران دینی، بازگشت به قرآن، سرچشمه زلال وحی، را سرلوحه برنامه‌هایشان قرار داده‌اند. سیدجمال‌الدین اسدآبادی، عبده، کواکبی، اقبال لاهوری، استاد محمدتقی شریعتی، طالقانی و بازرگان تلاش فرهنگی خود را - که پیشیناز هرگونه تحول اجتماعی است - معطوف به آشنا کردن مردم با زبان و فرهنگ قرآن - که کتاب هدایت و راهنمای عمل انسان است - کرده‌اند. طالقانی در طول چهار سال تلاش اجتماعی - سیاسی همواره براین مهم پای فشرده است.

طالقانی، در سرمقاله نخستین شماره مجله دانش‌آموز - که در سال ۱۳۲۱، از سوی کانون اسلام منتشر شد - با استناد به حدیثی از پیامبر اکرم (ص)، دلایل ضرورت بازگشت و توجه به قرآن را به تفصیل توضیح داده است، مقاله با این مقدمه آغاز می‌شود: «اذا التبست علیکم الفتن کقطع اللیل المظلم فلیکم بالقرآن ...» «در هنگامی که ابرهای تیره فضای جامعه را دربرمی‌گیرد، بطوری‌که تشخیص حق و باطل مشکل شود، به قرآن روی آورید».

پس از شهریور ۱۳۲۰، با شکسته شدن جو سرکوب و اختناق رضاشاهی و پدید آمدن فضای باز سیاسی، عرصه فرهنگی جامعه، به‌ویژه در دانشگاه و درمیان جوانان تحصیل‌کرده، در اختیار افکار وارداتی، به‌ویژه مارکسیسم و غرب‌گرایی، قرار گرفت. در چنان شرایطی، طالقانی قرآن را از طاقچه‌های منازل و گورستانها به صحنه زندگی مردم آورد و با زدودن زمینه‌های خرافات و پیرایه‌های دینی، قرآن را با فطرت جوانان پیوند زد و آیات و قانونمندی‌های قرآنی را که راهنمای عمل در زندگی و تلاش‌های اجتماعی همه عاشقان آزادی، عدالت و کرامت انسانی است، به آنان آموخت..

بیان تلاش‌ها و خدمات فرهنگی ۴۰ ساله طالقانی نیاز به فرصت زیادی دارد. کلاسهای قرآن طالقانی در مسجد هدایت، در دهه‌های ۲۰ و ۳۰ و ۴۰، نسلی را با اندیشه و انگیزه خدمت‌رسانی به جامعه تربیت کرد. ۵ جلد کتاب ارزشمند «پرتوی از قرآن» تفسیر کم‌نظیر قرآن است که در فرایند فعالیت اجتماعی - و بیشتر آن در دوران اسارت طالقانی - تدوین شده است که جادارد پویندگان اندیشه طالقانی این را ه طی شده را ادامه دهند.

پرسشی که امروز باید به آن پاسخ داده شود این است که آیا زمانه «بازگشت به قرآن» سپری شده است و دیگر نیازی به پیگیری این اندیشه طالقانی وجود ندارد؟ به نظر این بنده در شرایط فرهنگی - اجتماعی پس از پیروزی انقلاب و تحولاتی که در جمهوری اسلامی ایران پدید آمده است، ضرورت بازگشت به قرآن و تداوم اندیشه طالقانی به مراتب بیش از نیاز به آن در شرایط شهریور ۱۳۲۰ و دهه‌های پس از آن وجود دارد. در آن شرایط، خرافات و پیرایه‌های دینی در حاشیه مسائل بنیادی جامعه قرار داشت و افکار الحادی و دیدگاه‌های برخی از تحصیل‌کردگان در کشورهای غربی با بدنه جامعه ایران ارتباط چندانی نداشت و تأثیرات آنان محدود بود. اما امروز متأسفانه برخی از افکار و اندیشه‌های خرافی مذهبی از رسانه ملی بطور وسیع پخش می‌شود. گسترش سامانه‌های ارتباطی مدرن بدنه جامعه، به‌ویژه نسل جوان ما، را بطور طبیعی تحت‌تأثیر رسانه‌های خارجی قرار می‌دهد که نیازی به ذکر مصادیق آنها در اینجا نیست، زیرا همگان روزمره با نوع تبلیغات این رسانه‌ها آشنا هستند. در اینجا تنها به یکی از برنامه‌های رادیو قرآن (معارف) - که چند هفته پیش پخش شد و تصریح کرد که قرآن بعنوان امام پانزدهم پس از چهارده معصوم قرار دارد - و سخنان اخیر رئیس مجلس خبرگان رهبری، در این باره که مقام رهبری در جمهوری اسلامی منصوب خدا است - اشاره می‌کنم.

آشنایی با قرآن، سرچشمه زلال وحی، و نهج‌البلاغه و سایر معارف اصیل دینی ملاک‌هایی در اختیار جامعه، به‌ویژه نسل جوان و تحصیل‌کرده، قرار می‌دهد تا تحت‌تأثیر تبلیغات سوء و خرافی قرار نگیرند و افکار و دیدگاه‌های رسانه‌های رسمی و عملکرد حاکمان جمهوری اسلامی را معادل و منطبق بر آموزه‌های قرآن و اسلام اصیل تلقی نکنند و بدین ترتیب، از دین‌گریزی و دین‌ستیزی جوانان جلوگیری شود.

خداشناسی، انسان‌شناسی، جایگاه پیامبران و مؤمنان در فرهنگ قرآنی و منابع اصیل اسلامی جهان‌بینی، شناخت، مبانی و شاخص‌هایی در اختیار انسان قرار می‌دهد که بطور طبیعی مغایرت پیرایه‌ها و خرافه‌های رایج در رسانه‌ها و پاره‌ای از منابع را با فرهنگ اصیل اسلامی مشخص می‌کند و لاقلاً از اثرگذاری این گونه افکار انحرافی در سست کردن پایه‌های ایمانی انسان می‌کاهد.

خوشبختانه، در سالهای اخیر، طلبه‌هایی نواندیش و فرهیخته در حوزه‌های علمی تربیت شده‌اند که با علوم و معارف جدید علمی آشنا هستند و حرکت آگاهی‌بخش و بازگشت به قرآن طالقانی را ادامه می‌دهند، که البته این تلاش‌ها با هزینه‌هایی همراه بوده است. این فرهیختگان و روشنفکران دینی در سالهای اخیر با مطالعات پژوهشی نو نقش مؤثری در تداوم اندیشه فرهنگی طالقانی و بازگان ایفا کرده‌اند. آثار مکتوب، سخنرانی‌ها و کلاس‌های درس این متفکران ارزشمند و استقبال جوانان از این تلاش‌ها کاملاً مشهود است و جای تقدیر دارد. اما میزان این تلاش‌ها نسبت به نیاز کنونی جامعه فاصله زیادی دارد. امید است که با همت و تلاش بیشتر این تلاشگران فرهنگی، به این امر مهم جامعه اهتمام لازم مبذول شود.

۴- اندیشه سیاسی

محور اصلی اندیشه سیاسی طالقانی - که در تمام عمر بر آن پای فشرد - مقابله جدی با استبداد، خودکامگی و فرهنگ استبدادی و بارور کردن درخت پرثمر آزادی و آزادگی است. او این اندیشه را از متن قرآن، تجربه تاریخی کشور و مطالعه احوال اقوام و ملل دیگر بدست آورد. او، در پرتوی از قرآن، طاغوت را که نماد هر مستبدی است به معنای لغوی و وسیع برای هر خودخواه و سرکش بر اندیشه، آزادی و حق خلق آورده است.

طالقانی برای آموزش دریافت‌های قرآنی خود تنها به سخنرانی، تدریس و چاپ کردن آنها بسنده نمی‌کرد، بلکه خود نیز به آنها عمل می‌نمود. او در برابر فشارها، زندانها و محرومیتها پایدار و استوار بود و در هر مرحله از این تحولات اجتماعی درجه‌های تازه‌ای به روی او گشوده می‌شد. این روند در سیر تحول آثار پرتوی از قرآن مشهود است. همان‌گونه که گفته شد، بخش قابل ملاحظه‌ای از پرتوی از قرآن در زندان ارائه و تدوین شده است.

پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، طالقانی اگرچه در نهضت مقاومت ملی همکاری تشکیلاتی نکرد و تنها با امضای برخی از بیانیه‌های نهضت مقاومت با آن ارتباط و همکاری داشت، برای توسعه و معرفی اندیشه سیاسی خود، در سال ۱۳۳۴ با اضافه کردن مقدمه جامع و زیرنویس‌های توضیحی به کتاب ارزشمند "تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله" علامه سیدمحمدحسین نایینی - نواندیش انقلاب مشروطیت - به انتشار آن همت گماشت و ابعاد استبداد سیاسی و استبداد دینی و پیچیدگی نوع دینی آن و سازوکارهای مدنی حاکمیت ملت و دموکراسی را نشان داد.

طالقانی، در زیرنویس صفحه پایانی کتاب یادشده، دستاورد انقلاب مشروطیت در زمینه توسعه فرهنگ و رفتار مدنی را به شرح زیر مورد تأکید قرار داده است :

« پیامبران عظام که کاخهای استبداد را ویران کردند ... تنها از طریق موعظه و نصیحت نبود، مردمی را تربیت کردند و قدرت بدستشان دادند تا با قدرت شمشیر عدالت و خدایپرستی، قدرت استبداد و شاه‌پرستی را برانداختند. آن مقاومت و انقلاب و خونریزی امروز به قانون و آراء عمومی (رفتار مدنی) تبدیل شده، این حقی است که می‌تواند مستبدین را محدود سازد ... امروز اوراق انتخاب بجای شمشیر و تیروکمان انقلاب (خشونت‌ورزی) دیروز است.»

واکنش رفتاری طالقانی در مجلس خبرگان قانون اساسی در سال ۱۳۵۸ و رأی منفی او، همراه با هفت تن دیگر از نمایندگان آن مجلس، به اصل پنجم قانون اساسی مربوط به ولایت فقیه در راستای اندیشه سیاسی و تحلیل تاریخی او از روند تحولات پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در آن برهه آثارش بر همگان مشهود نبود.

همچنین، طالقانی با تدوین کتاب «اسلام و مالکیت» چارچوب نظریش را برای تبیین اندیشه عدالت‌خواهی ارائه کرد. طالقانی و همفکرانش اگر به آزادی و مبارزات ضداستبدادی در طول چند دهه گذشته اولویت داده، سرزنش دگراندیشان را که می‌گفتند آزادی کالای لوکس امپریالیستی است به‌جان خریدند، از اینرو بود که آزادی را پیش‌نیاز تحقق عدالت و استقلال کشور می‌پنداشتند. تحولات جهانی و داخلی کشور پس از پیروزی انقلاب، صحت این دیدگاه طالقانی و همفکرانش دست‌کم در سطح آگاهان و جنبش اصلاحات مورد تأیید قرار گرفته است. تجربه عملکرد یکساله دولت نهم - که با پشت کردن به آرمان آزادی و رکن جمهوریت نظام، بر آرمان عدالت‌خواهی تأکید دارد - و پیامدهای آن در افزایش شکاف طبقاتی این واقعیت را بیش از پیش آشکار کرده است.

باتوجه به روند تحولات در سالهای پس از انقلاب، به‌ویژه در سالهای اخیر، ضرورت تداوم اندیشه سیاسی طالقانی - که امروز بصورت گفتمان غالب آزادی، دموکراسی و حقوق بشر مورد تأکید عموم احزاب، گروهها و فعالان سیاسی قرار دارد - با درنظر گرفتن شرایط داخلی، منطقه‌ای و جهانی بیش از پیش مورد نیاز است.

۵- اندیشه اجتماعی - تقویت نهادهای مدنی

یکی از محورهای اندیشه و عملکرد طالقانی در طول ۴۰ سال تلاش نستوه او توجه به نقش نهادهای مدنی، ازجمله شوراها و احزاب سیاسی، در رفع موانع توسعه کشور و تحقق آرمانها و مطالبات تاریخی ملت ایران بوده است.

طالقانی از همان شهریور ۱۳۲۰ - که همکاری فرهنگی خود را با مهندس بازرگان و دکتر سبحانی آغاز کرد - و توسعه همکاری‌های جمعی او در دهه‌های بعد به این مهم، باتوجه به آموزه‌های قرآنی و تجربه بشری، عنایت ویژه داشت.

ارائه آموزش‌های قرآنی به دانشجویان، ارتباط تنگاتنگ با اعضای انجمن‌های اسلامی دانشجویان از دهه بیست و توسعه آن در دهه سی با انجمن‌های اسلامی مهندسين، پزشکان، معلمان، ارتباط با نهضت مقاومت ملی، پذیرش عضویت

شورای مرکزی جبهه ملی دوم در سال ۱۳۳۹، مشارکت در تأسیس جمعیت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، حمایت از پایه‌گذاران سازمان مجاهدین خلق اولیه و تلاش برای جلوگیری از انحرافات درونی سازمان در سالهای قبل و پس از انقلاب این اندیشه طالقانی را که بدون رفع موانع همکاری جمعی و تقویت نهادهای مدنی هرگز دستیابی به آرمانهای ملی و دینی امکان‌پذیر نیست بخوبی نشان می‌دهد.

طالقانی با پذیرش عضویت نهضت آزادی ایران در سال ۱۳۴۰، همان‌گونه که مهندس بازرگان هم گفته است، یک عمل انقلابی و کاملاً بی‌سابقه در تاریخ روحانیت ایران انجام داد. طالقانی در شورای مرکزی نهضت آزادی حق ویژه‌ای مطالبه نکرد، بلکه برای خود فقط یک رأی ساده، مانند سایر اعضای شورای مرکزی، قائل بود. طالقانی، بازرگان و سحابی با چنین رفتار دموکراتیک عملاً اخلاق دموکراسی و کار جمعی را به شاگردانشان آموزش دادند و این فرهنگ را در درون انجمن‌های اسلامی، نهضت آزادی ایران و دیگر نهادهای مدنی نهادینه کردند. این فرایند مصداق همان سخن بازرگان است که می‌گفت: «آزادی (و دموکراسی) دادنی یا گرفتنی نیست بلکه یادگرفتنی است».

شایان یادآوری است که در آن زمان و تا سالهای اخیر بسیاری از شخصیت‌های موجه و فعال سیاسی کشور با افتخار اظهار می‌کردند که جزو هیچ گروه، دسته یا حزبی نیستند. خوشبختانه تحلیل رخدادهای دهه‌های اخیر و کارهای تحلیلی و توضیحی پس از خرداد ۷۶، در دوران اصلاحات، این واقعیت را برای همگان آشکار کرده است که بدون حضور تشکیلاتی در نهادهای مدنی و تقویت تحزب و فعالیت حزبی انتظار دستیابی به جامعه دموکراتیک - که پیش‌نیاز اجرای برنامه‌های توسعه کشور است - واهی و بیهوده است. اگرچه این واقعیت در سطح نظری در جامعه امروزی ما به آگاهی عمومی رسیده است، هنوز تا پذیرش عملی آن از سوی فعالان سیاسی و حزبی شدن فعالیت‌های سیاسی فاصله زیادی وجود دارد.

امروز، این اندیشه و رفتار تحزب‌پذیری طالقانی - که در حدود نیم قرن پیش به این نیاز مبرم جامعه ما پاسخ مثبت داده است -، می‌تواند اسوه و الگوی آموزنده‌ای برای همه کسانی باشد که می‌خواهند اندیشه طالقانی تداوم یابد و بستر لازم برای رفع موانع توسعه در کشور ایجاد شود. همان‌گونه که گفته شد، گفتمان غالب در جامعه کنونی ما - که مطالبه تاریخی ملت ایران می‌باشد - آزادی، دموکراسی و حقوق بشر است. برای دستیابی به آرمانهای یادشده راهی جز گفتگو، تقویت همکاری‌های جمعی و تشکیل نهادهای متناسب نیست، یعنی تداوم اندیشه و رفتاری که طالقانی از پیشگامان آن بود.

مدارا و تساهل با دگراندیشان - که از خصوصیات بارز طالقانی بود و قبلاً به آن اشاره شد - از ضرورتها و پیش‌نیازهای توسعه همکاری‌های جمعی و تقویت راهبرد وفاق ملی است. مگر بدون پذیرش دیگران و احترام به دیدگاههای مختلف می‌توان در چارچوب وجوه اشتراک همکاری جمعی را پایه‌گذاری کرد؟ ما عموماً عادت داریم که قبل از توجه و تمرکز بر وجوه اشتراک به موارد اختلاف‌نظر با طرف مقابل فکر کنیم. بدیهی است که با این نگرش گفتگو، همفکری، همدلی و همکاری جمعی در جامعه شکل نمی‌گیرد و بدگمانی و بی‌اعتمادی توسعه می‌یابد. خصوصیت مدارا و رواداری (Tolerance) طالقانی - که با حفظ مواضع و اعتقاداتش، با مهربانی با صاحبان اندیشه‌های متفاوت گفتگو و در موارد لازم از آنان حمایت می‌کرد - نیاز استراتژیک امروز و فردای جامعه ما است.

رفتار و سخنان طالقانی با شهید نواب صفوی، مارکسیست‌ها، اعضای سازمان مجاهدین و با رهبر فقید انقلاب هریک حامل آموزه‌های ارزشمندی است که جادارد نسل امروز، به ویژه علاقه‌مندان به راه طالقانی، آنها را ادامه دهند.

۶- تشکیل شوراها

تأکید بر شوراها و ضرورت به حساب آوردن مردم در اداره کشور و دادن رأی منفی به اصل ولایت‌فقیه در قانون اساسی، پیام اصلی طالقانی در عمر کوتاهش پس از پیروزی انقلاب اسلامی است. دغدغه و نگرانی طالقانی، با شناخت

عمیقی که از تحولات پس از انقلاب داشت، در سخنانش در خطبه‌های نماز جمعه ۱۷ شهریور ۵۸ در بهشت‌زهرا کاملاً گویاست، که برای یادآوری قسمتی از آن را نقل می‌کنم:

"من از همگان می‌خواهم که به امر شوراها اهمیت بدهند و بدانند که سرنوشتشان دست خودشان است و دولت هم باید در این کار فقط نظارت داشته باشد. مسلمانها هرکس صدای مرا در داخل و خارج کشور می‌شنود، راه اصلاح و حرکت و تکامل انقلابی یک کشور منجر به همین است."

در آستانه برگزاری انتخابات سومین دوره شوراها، جا دارد که مردم عزیز کشور، با توجه به تجربیات انتخابات دو دوره گذشته، به‌ویژه پیامدهای عدم مشارکت در انتخابات شوراها، شهرهای بزرگ مانند کلانشهر تهران و فراهم کردن زمینه برای جمعی ناشناخته که با استفاده از امکانات و تسهیلات شهرداری تهران - که آمارها و اطلاعات آن منتشر شده است - و نیز با پشتیبانی همه‌جانبه نهادهایی که از اعتبارات عمومی استفاده می‌کنند توانستند اکثریت مطلق مجلس هفتم و سپس دولت نهم را در اختیار گیرند، با مشارکت گسترده در این دوره، افراد مورد اعتمادشان را برای اداره شهرها انتخاب کنند و برای تقویت این نهاد مدنی - که مشارکت گسترده مردم را در اداره روستاها و شهرها فراهم می‌کند - تلاش کنند.

دلایل مخالفت طالقانی و دیگر آگاهان با اصل ولایت فقیه در قانون اساسی امروزه برای همگان آشکار شده است. آقای مصباح یزدی، با تحریف تاریخ تشیع، اعلام کرده است که هیچ یک از مراجع شیعه رأی مردم را مبنای مشروعیت رهبری نظام اسلامی (حاکم اسلامی، ولی فقیه) ندانسته و معتقد است که مقام رهبری منصوب خداوند است، درحالی‌که ملامحمدکاظم خراسانی، شیخ عبدالله مازندرانی و حاجی میرزا حسین تهرانی از مراجع بزرگ نجف در صدر مشروطیت در تقریراتشان و با تأیید رساله تنبیه‌الامه و تنزیه‌المله علامه نایینی مشروعیت حکومت مشروطه از طریق رأی مردم را برپایه مبانی اسلامی اعلام کردند و در صد سال اخیر بسیاری از مراجع و علمای دینی، از جمله طالقانی، براین اندیشه پای فشرده‌اند.

دو قرائتی که امروز از قرآن و سنت و قانون اساسی درباره جایگاه مردم در اداره جامعه وجود دارد، باید با روش علمی مورد بررسی و ارزیابی قرار گیرد. یک دیدگاه رهبری را منصوب خدا - و بنابراین، با اختیارات مطلق - و مردم را تابع و بی‌اختیار می‌داند. به بیان دیگر، این دیدگاه دموکراسی و حاکمیت ملت را ناسازگار با ادیان الهی، به ویژه اسلام، می‌داند. دیدگاه دوم، همان‌گونه که در اصل ۵۶ قانون اساسی تصریح شده است، مردم را منشأ اختیار، قدرت و مشروعیت حاکمان معرفی می‌کند و برپایه اصل ۱۱۰ قانون اساسی مقام رهبری را با اختیارات محدود و به لحاظ حقوقی در عرض سایر شهروندان و پاسخگو در برابر اختیارات تفویض شده می‌داند.

در دیدگاه دوم، مقام رهبری و سایر مسئولان، که منتخب مردم هستند، باید با سازوکار اصل شوراها و رأی اکثریت و با مشارکت مردم جامعه را اداره کنند. پیامبر گرامی اسلام نیز - درجایی که مربوط به اداره جامعه بود - از رأی اکثریت مردم حتی اگر برخلاف تشخیص او بود - پیروی می‌کرد و خود تصمیم اکثریت را بعنوان آموزه الهی به اجرا می‌گذاشت. آیات قرآن و روایت تاریخی جنگ احد آشکارا این روش مدیریت را که امروز نیز جنبه علمی دارد، نشان می‌دهد. طالقانی نیز در مدت ۴۰ سال تلاش فرهنگی، سیاسی و اجتماعی همواره براین اندیشه و دیدگاه تأکید و پافشاری داشته است. روحش شاد و راهش پررهرو باد

۱. ولكن منكم امة يدعون الى الخير و يأمرون بالمعروف و ينهون عن المنكر و اولئك هم المفلحون (آل عمران - ۱۰۴)